

دروغ به خلق قهرمان ویت نام!

مردم ارکان مرکزی ضرب توده ایران

یک سال دیگر بر جنگ ظالمانه و تجاوزکارانه امریکا در ویتنام گذشت. در این سال افکار عمومی جهان به مقیاس بیسابقه ای تجاوز و حشیانه امریکا را در ویتنام محکوم کرد. به جرئت میتوان گفت که هیچگاه چنین

سیلی از نفرت و چنین خشم مقدسی از طرف جامعه مترقی بشری متوجه حکومت متجاوز امریکا نبوده است. نگرانی مردم جهان از توسعه و ادامه جنگ در ویت نام، علاقه آنها بصلح و آرامش، ستایش آنان از قهرمانی، سرسختی و دلآوری مردم ویت نام در برابر بزرگترین نیروی نظامی و اقتصادی دنیای سرمایه داری و حقانیت آنها در دفاع مشروع از آزادی و استقلال خود، میلیونها نفر را بدفاع از مردم ویت نام برانگیخت. صدها تظاهر و میلیونها نامه اعتراض آمیز علیه سیاست جانسون در تمام پهنه گیتی نمودار آن پشتیبانی معنوی است که از خلق دلیر ویت نام بعمل میآید. در امریکا ناخشنودی مردم از سیاست ماجراجویانه و ضد انسانی جانسون دامنه دارتر شد. هنرمندان، دانشمندان و روحانیون از دولت خواستند که تجاوز خود در ویت نام پایان دهد. تظاهرات توده ای وسیعی در شهرهای بزرگ امریکا علیه سیاست دولت بعمل آمد. در آستانه سال نو تظاهر کنندگان کاریکا تور جانسون را در نیویورک آتش زدند. باشگاه گالوپ امریکائی که روزگاری اکثریت مردم را طرفدار سیاست دولت در

ویتنام میدانست ناچار شد اقرار کند که بر اساس تحقیقات تازه ۵۸ درصد از مردم امریکا مخالف این سیاستند. توسعه تدریجی جنگ ویت نام از طرف پیتاگون، پیاده کردن مداوم نیروهای ارتشی امریکا در ویتنام، بمباران وسیع ویتنام شمالی و از جمله بمباران هانوی پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام، بمباران بیمارستانها، مدارس و مردم غیر نظامی، پخش مواد سمی در کشتزارها بمنظور ایجاد قحطی، پرتاب بمبهای سوزان ناپالم و بمبهای گاز دار و سمی کمترین خللی در روحیه شکست ناپذیر خلق فدائکار و قهرمان ویتنام وارد ننمود بلکه آنها را در دفاع از آب و خاک و آزادی خویش پایدار تر کرد. از لحاظ نظامی تلفات امریکائیان اوج گرفت و کوچکترین موفقیتی با استراتژی «جنگ مخصوص» بدست نیاوردند. پارتیزانها و قوای منظم ارتش آزادیبخش مواضع خود را علیرغم حملات وسیع زمینی و هوایی و دریائی ارتش امریکا و ارتش مزدور کائوکی حفظ کردند. بقیه در صفحه ۸

برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

المضاء موافقتنامه جدید بین شرکت ملی نفت ایران و رسیوم بین المللی نفت بار دیگر جنجال تبلیغاتی در باره پیروزی بزرگ شاهنشاه آریا مهر، آغاز شده است. بررسی زیر کوششی است برای ارزیابی موافقتنامه جدید تا در نتیجه ماهیت این اصطلاح پیروزی نیز روشن گردد.

اختلاف بر سر چه بود و چگونه بوجود آمد؟

تاریخ واقعی بروز اختلاف بین ایران و کنسرسیوم به سال ۱۳۳۷ بر میگردد. منشاء اصلی بروز اختلاف ناشی از مجموعه سیاست رژیم در زمینه های گوناگون بود. در امور اقتصادی است.

منابع درآمد رژیم عبارت است از: مالیات مستقیم و غیر مستقیم، درآمد نفت، صادرات بازرگانی، وام خارجی و کمک امریکا. مصارف دولت عبارتست از: بودجه دستگاه دولتی و بودجه عمرانی سازمان برنامه. ولی آن منابع کفاف این مصارف را نمیدهد. زیرا اولاً درآمد ها بدستنی مورد استفاده قرار نمیگیرد. بخش مهمی از ارز برای واردات کالا های غیر ضروری پرداخته میشود. بخش مهمی صرف مخارج نظامی و دستگاه اداری میگردد. آن قسمتی هم که صرف امور تولید و عمرانی میشود در صنایع کلیدی که باید پایه یک اقتصاد سالم را بی ریزی کنند، بیکار نمیافتد. ثانیاً سیاستی در پیش گرفته شده که درآمد ها را باز هم بهدر میدهد: سیاست در های باز همچنان ادامه دارد. مخارج نظامی و دستگاه اداری افزایش مییابد. هنوز هم نقشه جامعی برای صنعتی کردن کشور بوجود نیامده است. بهمه اینها زدبها و حیف و میل هائی هم که انجام میگردد، و بنا به اعتراف خودشان کم هم نیست، باید افزود. نتیجه اینکه دولت دچار کسر بودجه مزمن است. فاصله درآمد ها و مصارف زیاد تر میشود. در یک کلمه رژیم پول میخواهد تا بتواند این فاصله را پر کند. تدابیر رژیم برای نیل به این هدف بقرار زیر بوده است:

نخستین گام را رژیم با گرفتن وام خارجی و کمک، برداشت. ولی این سیاست در سالهای اخیر با مشکلات متعددی روبرو شده است. اولاً کارگرفتن قرضه بجای کشید که اکنون ایران بیش از آنچه که قسط وام دریافت میکند، قسط وام میپردازد. ثانیاً کمک دهندگان، امریکائی دیگر مانند سبق پول نمیدهند و اگر هم حاضر باشند، بصورت وام یا بهره سنگین است نه کمک بلاعوض. ثالثاً برای دادن وام هم وام دهندگان خارجی، بشوانه مطمئن، میخواهند که برای آنها این بشوانه فقط در آمد نفت است و آنهم برای وامهای گذشته از پیش ضمانت، شده و لذا منبع تازه ای وجود ندارد.

سیس بنا به توصیه امریکائیان بسراغ مالیات رفتند. ولی از افزایش مالیات مستقیم بلافاصله صرف نظر کردند چون صدای اعتراض طبقات حاکمه پشتیبان رژیم بلند شد. بنابراین مانند همیشه بار را بدوش زحمتکشان گذاشتند و چند بار بر مالیات غیر مستقیم افزودند. ولی اینکار در همانحال که نارضایتی مردم را تشدید میکند و خطرناک است نمیتواند جای خالی را پر کند، چون درآمد متوسط سزانه سالیانه (که تازه بنا بادهای سخنگویان دولت بالغ بر ۱۸۰ دلار است) در دریف کمترین درآمد ها در جهان است و جای زیادی برای تحویل بیشتر باقی نمیگذارد. صادرات بازرگانی ایران نیز بعزت سیاست در های باز و رقابت در بازار های خارجی و وضع بد محصولات کشاورزی ایران (که اقلام عمده صادرات است) در وضع اسفناکی است و هیچوجه نمیتوان برای در آوردن پول به آن امید بست. نتیجه اینکه رژیم بطور عمده فقط درآمد که جرأت مقابله با کنسرسیوم را برای کم کردن غارت وی نداشت، نخست بالا بردن در آمد نفت ایران را با به حراج گذاردن سایر منابع نفتی ایران آغاز کرد. نتیجه اینکه هم اکنون در خارج از منطقه فعالیت بقیه در صفحه ۲

پاسخ رفیق بر ژرف

پاسخ زیرین را ارسال داشت:

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

از شادباش گرم و آرزو های نیک آن رفقا بمناسبت شصت سالگی خود صمیمانه سپاسگزارم. رفقا برای شما کامیابی بیشتر را در مبارزه برای امر مشترکمان آرزو میکنم. با سلام کمونیستی - ل. برژرف

روزنامه پراودا از ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متن تلگرافی را که کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سال تولد لئونید برژف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته بود در شماره ۲۲ دسامبر سال ۱۹۶۶ روزنامه درج کرد.

رفیق برژف در پاسخ تبریک کمیته مرکزی ما بمناسبت شصتمین سال تولد وی،

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

یوگوسلاوی وشوهای ساختمان سوسیالیسم در آن جمهوری بکشور مزبور مسافرت نمود. در مدت یک هفته توقف خود در جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی، هیئت نمایندگان حزب ما امکان یافت که از برخی بقیه در صفحه ۲

بنا بدعوت جامعه کمونیست های یوگوسلاوی از تاریخ ۱۴ تا ۲۱ آذر ۱۳۴۵ (۵ - ۱۲ دسامبر ۱۹۶۶) هیئتی بنماینده ای از طرف بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمنظور مطالعه در امور اقتصادی و اجتماعی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو

پیام حزب کمونیست سوریه باحزاب کمونیست برادر و به نیرو های

ترقی و صلح در تمام کشورها

و کمونیستهای این کشور امری است عیان و بدیهی. ما هم حقانیت و عدالت مبارزه مردم سوریه وهم نگرانی آنها را عمیقاً درک میکنیم و بنوبه خود آنچه را که در امکان داریم برای افشاء توطئه گران، برای حمایت از مردم سوریه. دولت ملی سوریه و حزب کمونیست سوریه انجام میدهم و از همه مردم ایران و از همه هموطنان آزادیخواه خارج از ایران خواستاریم که حوادث سوریه را بقیه در صفحه ۷

کودتای امپریالیستهای امریکا علیه حکومت ملی آربنس در گواتمالا و گولار در برزیل نیز از همین قماش بود ولی روشن است که اکنون شرایط برای امپریالیستها و مرتجعین خاور میانه براتب نامساعد تر است. احساس همبستگی و همدردی ما نسبت ب مردم استقلال طلب و آزادی دوست سوریه

خصمانه علیه جمهوری سوریه در خاور میانه مایلند نو گران مرتجع خود را در داخل کشور به توطئه و کودتا تشجیع کنند و مانع قوام و استواری نظام ملی و دموکراتیک در خاک سوریه شوند. برای ما ایرانیان این تدارک، تکرار داستان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی د کتر مصدق است.

نامه زیرین را کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه برای ما فرستاده است. خود نامه که تشریح بلغی است از وضع کنونی نیاز بهیچگونه توضیح اضافی ندارد. در یک کلمه امپریالیستهای امریکا و انگلس، بهمه اسرائیل و مرتجعین جهان عرب میخواهند جمهوری ملی وضد امپریالیست سوریه را که «جسارت ورزیده» و خواستار استقلال سیاسی و اقتصادی شده است مختنق سازند. امپریالیستهای امریکا و انگلس با ایجاد محیط حاد

بقیه از صفحه ۱

برای پیروزی بر انحصارگران نفتی باید با قاطعیت مبارزه کرد

موافقتنامه جدید

پس از رفت و آمد بسیار موافقتنامه جدیدی امضا شد. موافقتنامه جدید پیش بینی میکند که اضافه تولید نفت ایران در سالهای ۶۷ و ۶۸ - ۱۲۵ در صد خواهد بود. در همانحال کنسرسیوم طی ۵ سال آینده ۲۰ میلیون تن نفت بیشتر تولید میکند و به ایران میفروشد تا ایران بتواند خود انرا در بازار های خارجی بفروشد برساند. بیست در صد از اراضی تحت اختیار کنسرسیوم نیز ' بنابه انتخاب خود کنسرسیوم ' به ایران پس داده میشود تا ایران بتواند در این منطقه به اکتشاف و بهره برداری بپردازد.

باز هم تسلیم طلبی

موافقتنامه جدید آشکارا نشان داد که شاه و رژیم حتی بته آن هندهای محدود و سازشکارانه ای که مطرح ساخته بودند نرسیدند. زیرا اولاً تقاضای اصلی مبنی بر افزایش تولید تا میزان ۱۷۵ در صد پذیرفته نشده است. ثانیاً فروش ۲۰ میلیون تن نفت به ' برات ' امتیازی نیست زیرا از یکطرف طبق قرارداد کنسرسیوم ایران حق دارد ۱۱۵ درصد از تولید نفت را دریافت کند و خود مستقلاً بفروشد. از طرف دیگر ایران برای این ۲۰ میلیون پول میپردازد. بازگرداندن ۴۰ درصد از مناطق نفتی نیز به انتخاب ایران نیست و معلوم نیست کنسرسیوم چه زمینهایی را به ایران باز پس میدهد. گذشته از این اکتشاف و استخراج و بهره برداری از این منطقه خود محتاج سرمایه گذاری سنگین و جدیدی است که ایران فاقد آنست و تازه بفرض که اینکار هم انجام گیرد، نتیجه آن قوری بدست نماید. فریاد ' پیروزی ' زمامداران رژیم در واقع برای پوشاندن این ناکامی است.

نقش کشورهای سوسیالیستی

نکته جالبی که در سالیان اخیر در مذاکرات نفت و بویژه در مذاکرات اخیر چشم میخورد نقش کشورهای سوسیالیستی است. دولت ایران نخستین بار در ' تهدیدات ' خود نسبت به کنسرسیوم عامل کشورهای سوسیالیستی را بجا کشید. بدین معنی که اعلام کرد در صورتیکه کنسرسیوم بخواستههای ایران پاسخ مثبت ندهد ایران مجبور است کالا های مورد نیاز خود را از کشورهای سوسیالیستی وارد کند و در این کشورها بازار برای فروش نفت خود بیابد.

این ' تهدید ' چه زمامداران رژیم بخواهند و چه نخواهند چه عملی شود و چه عملی نشود بخودی خود نشانه آنستیکه برای ابراز کوچکترین مقاومت در برابر امپریالیستها باید به کشورهای سوسیالیستی تکیه کرد. همیشه رژیم جرات ابراز وجود و برابر کنسرسیوم کرده است. همیشه مجبور شده است برای پیش بردن تقاضاهای خود عملاً هم به بسط روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و فروش نفت و گاز بپردازد. همیشه ایران با کمک اتحاد شوروی است که اولین پایه صنایع سنگین را با ساختن کارخانه ذوب آهن بوجود میآورد. مؤید نقش مثبت و ضرور کشورهای سوسیالیستی برای هرگونه مقابله با امپریالیستهاست. از آنجا که کشورهای سوسیالیستی همیشه آماده انجام چنین کمکی هستند، انتقاد به رژیم این نیست که چرا از این عامل استفاده نمیکند. انتقاد اینستکه رژیم چرا به اندازه کافی از این عامل استفاده نمیکند. چرا این عامل را بیشتر وسیله ساختن قرار میدهد. چرا تقاضاهای وی از غارتگران منابع ملی ما صورت چانه زدن و گله دوستانه دارد. چرا سرانجام علیرغم ' تهدید ' ها تسلیم میشود. علت واقعی ناکامی رژیم در این قبیل مذاکرات درهمین جاست. در همین جا هم هست که ماهیت ضد ملی و وابسته رژیم آشکار میشود.

سیاست ملی در نفت چیست ؟

از بین بردن سلطه انحصارهای نفتی بر منابع نفت ایران و استفاده از این منابع برای تکامل اقتصادی

کشور و بهبود زندگی مردم ماهیت یک سیاست ملی را در نفت تشکیل میدهد. ولی برای اتخاذ چنین سیاستی استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک لازم است. بنابر این اتخاذ چنین سیاستی را از رژیم کنونی که ضد ملی و ضد دمکراتیک است نمیتوان انتظار داشت. به همین جهت است که احیاء قانون ملی کردن صنایع نفت بصورت شعار استراتژیک باقی میماند.

ولی ما بر این عقیده ایم که نمیتوان دست روی دست گذاشت. باید در وضع کنونی شعارهای تاکتیکی داشت و مردم را برای تحقق شعار های تاکتیکی، که خود هموار کردن و تدارک مبارزه در راه شعار استراتژیک است - تجهیز کرد. بویژه آنکه موقع بین المللی و وضع داخلی ایران از یکطرف امکان چنین مبارزه ای را فراهم میآورد و از طرف دیگر رژیم در این وضع بدترین راه حل ها را برای رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران در برابر امپریالیستها انتخاب میکند. مثلاً تقاضای افزایش تولید نفت برای افزایش درآمد نفت بدترین راه حل است که میتواند انتخاب کرد. زیرا هر گونه افزایش تولید نفت در شرایط اجراء یک سیاست اقتصادی ضد ملی وابستگی ایران را به درآمد نفتی که تحت تسلط امپریالیست هاست زیادتیر میکند و عواقب شوم این وابستگی روشن است. در حالیکه در همین وضع کنونی میتوان البته برای رسیدن باین هدف باید بر ضد انحصارگران با قاطعیت مبارزه کرد و از تمام نیرو های که میتوانند در این مبارزه یار و تکیه گاه باشند و قبل از همه مردم و اردوگاه سوسیالیستی تا آخرین حد امکان استفاده کرد. ولی رژیم بنا بر ماهیت خود ناتوانی خویش را حتی در حل مشکلات خود عملاً نشان داده است مگر زمانی که بدان مجبور گردد. در اینجاست که وظیفه مراه پرستان و همه مبارزان ضد رژیم برای مبارزه در راه شعار های تاکتیکی باز هم اهمیت بیشتری کسب میکند. مبارزه مردم و فشار آنها بنحوی از انحاء در اختلافات درونی، هیئت حاکمه بطور عینی مؤثر است و میتواند در حدود معینی امر بخش شود.

ما این شعار های تاکتیکی را در مقاله ای تحت عنوان ' ما و سیاست نفتی رژیم کودتا ' (مردم شماره یکد فروردین ماه ۱۳۴۴) تشریح کرده ایم که در اینجا با تکمیل برخی نکات بسار دیگران را برای یاد آوری تکرار میکنیم:

شعار های تاکتیکی

- ۱) افشاء پیگیرانه و همه جانبه غارتگری امپریالیستی از نفت ایران و سیاست نفتی ضد ملی رژیم کودتا که بویژه با استفاده از سربت و بغرنجی مسائل نفتی میکوشد خیانتها و سازشهای خود را خدمت جلوه دهد و افکار عمومی را بفریبد. به همین جهت عمل افشائی نسبت بامپریالیسم و رژیم کودتا هر دو دارای اهمیت و تأثیر بزرگی است.
- ۲) مبارزه در راه برقرازی نفارت کامل شرکت ملی نفت ایران بر تولید، فروش و تعیین بهای نفت.
- ۳) مبارزه برای دریافت هر چه بیشتر درآمد نفت در درجه اول از راه تعمیم بهترین شرایط موجود در قرار داد های نفتی بر همه قرار داد ها. مثلاً وقتی رژیم ادعا میکند که قرار داد نفتی با فرانسه بر اساس ۸.۵-۹.۱۵ در صد منعقد شده است، این نسبت باید در سایر قراردادهای نفتی نیز بوجود آید. سپس در یافت بهره مالکانه از کنسرسیوم تا ۲۵ در صد.
- ۴) مبارزه برای آنکه شرکت ملی نفت ایران بتواند سهم خود را از محصولات نفتی مستقلاً در بازار جهانی بفروش برساند. بسخن دیگر کوشش برای ایجاد رابطه مستقیم بین ایران و مصرف کننده بدون واسطه انحصارات نفتی و به همین منظور ایجاد ناوگان تجارתי نفتی.
- ۵) مبارزه برای جلوگیری از دخالت شرکتهای نفتی در امور داخلی ایران اعم از سیاسی و اقتصادی.
- ۶) مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران صنایع نفت. بویژه در مسئله افزایش مزد ' آزادی سندیکائی ' بیمه اجتماعی، مسکن و جلوگیری از اخراج.
- ۷) مبارزه برای جانشین کردن هر چه بیشتر کار شسانان ایرانی بجای کارشناسان خارجی در صنایع نفت.
- ۸) مبارزه برای جلوگیری از تقلیل تصفیه نفت در ایران. استفاده از ظرفیت کامل پالایشگاه آبادان و توسعه آن.

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی

مؤسسات اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و کشاورزی کشور مزبور دیدن کند و نیز با مقامات رهبری حزب و اتحادیه های کارگری و مسئولین مؤسسات مورد مطالعه درباره شیوه های ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی و همچنین در مورد بیکرشته مسائل سیاسی و اجتماعی مورد علاقه طرفین بحث و مذاکره نماید.

بیشک برخوردارها، مطالعات و مباحثات مزبور که همه در محیطی دوستانه و برادرانه انجام یافت برای درک واقعیت یوگوسلاوی و آشنائی با شیوه های ساختمان سوسیالیسم در آن کشور و همچنین برای رفع پاره ای سوء تفاهات ناشی از قطع رابطه ۱۸ ساله بین دو حزب بسیار سودمند بوده است. مذاکرات توافق نظر طرفین را در مورد بسیاری از مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و نیز در باره ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی آشکار ساخت.

نخستین نتیجه مهمی که هم اکنون از این برخوردها حاصل گردیده استقرار مجدد مناسبات میان حزب توده ایران و جامعه کمونیستهای یوگوسلاوی است. استقرار این مناسبات صرف نظر از پاره ای ارزیابیهای متفاوت در مورد برخی از مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی امریست مثبت که نه تنها در جهت تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و کارگری سیر میکند بلکه موجب تقویت بین المللی مبارزه حزب ما و جنبش آزادیبخش مردم ایران در راه تأمین استقلال ودمو کراسی نیز هست.

خوانندگان عزیز توجه فرمائید!

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شوندهگان گرامی رادیو پیک ایران ' در ساعات پخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است:

۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی موج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی، گفتار بزبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۷ برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه برنامه فارسی پخش میگردد. تکرار میگرد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میدهد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو پیک ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

- ۹) مبارزه برای آنکه درآمد نفت فقط بصرف امور عمرانی برسد و بویژه برای ایجاد صنایع سنگین و صنایع شیمیائی نفت بکار رود.
- ۱۰) مبارزه برای آنکه ایران نه فقط در اوپک باقی بماند بلکه در این سازمان از سیاست ارتجاعی و سازشکارانه خود دست بردارد و با سایر دولتهای مستقل و ملی عضو اوپک همکاری کند تا این سازمان بسلاح واقعی مبارزه بر ضد اجحاف و تسلط انحصارات نفتی و دفاع از منافع ایران و تمام دول عضو اوپک مبدل شود.
- بدینسان ما بدون اینکه لحظه ای از مبارزه در راه تحقق شعار استراتژیک در مسئله نفت غافل باشیم وظیفه خود میدانیم که در هیچ لحظه ای از مبارزه برای احقاق حقوق ایران در نفت و افشاء سیاست ضد ملی و سازشکارانه رژیم و تجهیز کردن مردم برای وادار کردن انحصارگران نفتی عقب نشینی نیز فرار نباشیم. ما از همه نیرو های ملی نیز برای مبارزه متحد در این راه دعوت میکنیم. م. انوشه

سازمانهای موجود زنان و وظایف ما در قبال آنان

شهریور ماه سال جاری ' روزنامه های تهران خبر انحلال شورایی زنان و تشکیل سازمان جدیدی بنام سازمان زنان ایران را اعلام داشتند. بررسی مختصر این هر دو سازمان که اولی معرف فعالیت جمعیتهای زنان در چند سال اخیر و دومی رهبری جنبش زنان در حال و آینده است ' میتواند بر انبوه وظایفی که در شرایط خاص کنونی در برابر نهضت زنان قرار دارد پرتو افکن باشد.

حمله ارتجاع در مرداد
شورای عالی زنان سال ۱۳۳۲ امکان مبارزه چگونگی بوجود آمد علی را از سازمان های اصیل زنان سلب نمود.
تشکیلات دموکراتیک زنان که زندگی خود را از سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود و پس از واقعه بهمن ۱۳۲۷ مجبور به فعالیت مخفی شد توانسته بود با استفاده از اوج نهضت در سال ۱۳۲۹ پیوند خود را بر چند با رشته های نامرئی ولی در مقیاس وسیع تری با قشرهای مختلف زنان در تهران و شهرستانها گسترش دهد. سازمان زنان ایران که بزرگترین سازمان علنی زنان در دوران قبل از کودتا بشمار میرفت با فعالیت پر دامنه سازمانی و تبلیغاتی خویش یاز هم قشر های تازه تری از زنان را در صفوف خود متشکل نموده بود. این هر دو سازمان زیر رهبری حزب توده ایران ' یکی با فعالیت مخفی و دیگری با مبارزه علنی موفق شده بودند بزرگی در بیداری زنان و تجویز و تشکل آنان ای نمایند. گروههای دیگری از زنان وابسته به نیرو های مترقی هر چند با نفعاتی معدود و فعالیت کم دامنه ' ولی کم و بیش گامهایی برای استیفای حقوق زنان بر میداشتند. کودتای ۲۸ مرداد امکانات گذشته مبارزه را از این سازمانها سلب نمود و فقط گروههای کوچککی که یا صرفاً فعالیت محدود فرهنگی داشتند مانند ' کانون بانوان و 'انجمن فارغ التحصیلان مدرسه معارفی' و یا با محور خیریه میسر داشتند چون 'انجمن معاونت زنان شهر تهران' و 'جمعیت کل خیریه زنان ارمنه' توانستند فعالیت عادی خود ادامه دهند. برخی دیگر از گروهها نیز هر چند بر طبق برنامه شان برای مبارزه در راه احراز حقوق سیاسی و اجتماعی زن تشکیل شده بودند ولی حتی در دوران قبل از کودتا نیز فعالیتشان از چارچوب نهضت و برخاست هفتگی و ماهانه معدودی زنان روشنفکر تجاوز نمیکرد و به همین جهت در دوران پس از کودتا نیز مزاحم تشخیص داده نشدند. منتهی جلسات هفتگی و ماهانه شان بیش از پیش از جهت حقوق سیاسی و اجتماعی رنگ باخت. تا چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت سازمانها و انجمنهای علنی زنان برخی داوطلبانه و بعضی ناگزیر بر محور امور خیریه و فرهنگی میگردید و رژیم شاه همچنان امکان مبارزه علنی را از کلیه سازمانهای سیاسی ' جمعیتها و مطبوعات ملی سلب کرده بود به زنان نیز کمترین امکان برای تشکل و مبارزه میداد. ادامه این خفقان یکسال ' دو سال ' پنجسال امکان پذیر بود ولی برای همیشه امکان نداشت. مبارزه زنان در سایر کشور های جهان هر روز گمراه تازه ای ببار میآورد و بر تعداد کشورهاییکه مجبور به شناختن حقوق برابر زنان میشوند افزوده میشود. دیگر شماره کشور هایی که هنوز زنان آن حق رأی نداشتند انگشت شمار بود. این عامل خارجی همراه با هشیاری زنان و سنت مبارزه گذشته از یکطرف و محرومیت از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر مانع از آن بود که زنان به سکوت و تسلیم تن در دهند. بتدریج ' پیچ پیچ ها به نغمه های ناراضی تبدیل میشد و گروههای تازه ای از زنان به دور هم گرد میآمدند. دربار شاه که سالوسانه داعیه تجدید طمبی داشت نه میتوانست در برابر این نغمه های عدم رضایت کاملا بی اعتنا بماند و نه میدان دادن به این ناراضیاتی ها با ماهیت استبدادی اش جور در میآید. از اینجهت سرانجام راه حل دلخواه خود را یافت. مطبوعات پایتخت خبر تشکیل شورایی زنان را به ریاست اشرف پهلوی اعلام داشتند. شورایی زنان از کلیه گروهها ' انجمنهای سازمانهای متعلق بزنان تشکیل میشد که ظاهراً داوطلبانه اما فی الواقع با جبار در شورایی زنان عضویت یافته بودند. بزودی با تشکیل گروههای جدیدی از زنان ' تعداد سازمانهای عضو از ۳۰ تجاوز شد. با تشکیل شورایی زنان ' دربار با یک تیر چند نشان میزد: هم برای نهضت زنان ' سرانجام قالب باصلاح مناسب آنها یافه بود ' هم سر نخ نهضت

در دست دربار قرار داشت تا آنرا در مسیر آرام اجرای 'منویات شاهانه' سوق دهد و هم اشرف پهلوی یک شبه راه چند ساله پیموده و به 'رهبر' نهضت زنان تبدیل شد. اکنون شورایی زنان میبایست طبق دایته خود جنبش زنان را به پیش برد ' اما چندین سال عمر شورایی عالی به نشست و برخاست بیحاصل ' وعده های تو خالی و شرکت 'رهبر زنان' در مجامع بین المللی گذشت بی آنکه بالاخره معلوم شود هدف از تشکیل شورایی زنان ' برنامه کار آن و اشکال مبارزه سازمانی است. در واقع شورایی عالی زنان هدف و برنامه ای جز انحراف مبارزه زنان از مسیر منطقی آن نداشت اما خوشبختانه در این هدف موزبانه خویش هم توفیق نیافت.
بتدریج که شورایی عالی زنان عدم قابلیت خویش را در استیفای حقوق زنان نشان میداد ' زومزه های گله و شکایت در داخل سازمانهای عضو و نیز زنان منفرد شنیده میشد. اینان خواستار مبارزه برای تأمین حقوق زنان بودند. این عدم رضایت هرگاه در برابر خود شرایط مناسب دید شکل اعتراض عمومی بخود گرفت. مثلاً هنگامیکه دولت علم در اواخر سال ۱۳۴۱ تصویبنامه مربوط بشکست زنان را در انجمنهای ایالتی و ولایتی لغو نمود باین بهانه که: 'عدم منع زنان از شرکت در این انجمنها مورد اعتراض قرار گرفته است. اجتماع روز ۱۷ دی ۱۳۴۱ که از جمله اجتماع سنتی زنان وابسته بدربار بود تبدیل بتظاهراتی از طرف گروه کثیری از زنان شد که اعلام نمودند نه تنها تصویبنامه مربوط به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی باید اجرا شود ' بلکه دولت موظف است حق زنان را در انتخابات مجلسین تأمین نماید. چند هفته بعد ' یعنی سوم بهمن ۱۳۴۱ زنان گرامند در شهر تهران اعتصاب یکروزه کردند و بدینوسیله اعتراض خود را نسبت به عدم توجه دولت به مطالبات زنان نشان دادند. عوامل بسیار داخلی و خارجی ' چنانکه دیدیم رژیم شاه را در زمینه هائی و از جمله در مورد زنان وادار به عقب نشینی نمود. اما شورایی عالی زنان که خود را مدعی رهبری نهضت زنان میدانست عملاً ترمز نهضت و مانع از آن بود که نیروی زنان فعالانه وارد میدان شده و رژیم را 'بعقب نشینی بیشتر در باره مطالبات زنان وا دارد. شورایی عالی زنان با استفاده از عوامل خود در سازمان های مختلف زنان و در سایر تشکیلات مملکتی تنها این هدف را تعقیب مینمود که مبارزات سیاسی و اقتصادی چند ده ساله زنان را لوٹ نماید و شرکت زنان را در انتخابات مجزوه کرامت شاه و زنان را مسجور این کرامات معرفی کند. در همان هنگام روزنامه 'مردم' ضمن تأکید این مسئله که شرکت زنان در انتخابات 'عنايت' شاه نیست ' بلکه محصول فزونی مبارزه خود زنان است ' سازمانهای زنان را از اینکه تحت سلطه دربار قرار گیرند بر حذر داشت و نوشت که خوشبختانه در داخل و خارج این سازمانها تعداد زنان واقع بینی که از وضع کنونی زنان در ایران درک صحیح داشته باشند ' لزوم مبارزه جدی و متشکل را حس کنند و بواقع کار آشنا باشند کم نیستند. در درجه اول وظیفه این زنان است که با کار مداوم خویش ' سازمانهای زنان را از سیطره در بار خارج نموده و در جهت صحیح مبارزه سوق دهند. پوشیده نبود که رهبری اشرف پهلوی و عوامل وی در داخل این سازمانها از یکطرف و وجود رژیم اختناق از طرف دیگر کار مبارزه را حتی برای آن سازمانهایی که سیمای روشن تری داشتند مشکل میکرد. شرکت زنان در انتخابات و فرستادن چند وکیل و سناتور اکثراً وابسته بدربار ' بمجلس شورا و سنا برای پاره ای از سازمانهای زنان نقطه اختتام مبارزه تلقی شد و این امر ' ناخرسندی را در داخل سازمانها بیشتر دامن زد. بی پرده گفته میشد که هدف از مبارزه زنان ' تنها فرستادن چند زن بمجلس نبوده ' بلکه هدف لغو قوانین ارتجاعی و وضع قوانین مترقی بمنظور

تأمین حقوق زنان بود. زنان آگاه این سازمانها درک میکردند که عضویت در شورایی عالی نه تنها گروهی از کار نکشود بلکه بر گروه ها افزود. بتدریج شکایات و اعتراضات زنان از داخل سازمانها به صفحات روزنامه ها کشیده شد ' اینان خواهان اقدام جدی برای استیفای حقوق زنان بودند. این سر و صداهای عدم رضایت از یکطرف و وجود رهبران رنگارنگ در رأس سازمانهای زنان که با وجود تسلیم کامل در برابر دربار ' رهبری بلا منازع اشرف پهلوی را اسماً تقض میکرد از طرف دیگر ' موجب گردید تا دربار در صدد ایجاد سازمان جدیدی از زنان برآید. فایده این کار آن بود که متولیهای قدیم سازمانهای زنان خود بخود در حاشیه قرار میگردند و اشرف بعنوان 'رهبر بلا منازع این سازمان عمل میکرد. ضمناً با انحلال شورایی عالی ' بیکارگی و بی اثری آن حسابگرانه تأیید و آبی بر آتش ناراضی ها ریخته میشد. چنانکه بلا فاصله پس از انحلال شورایی عالی مطبوعات وابسته بدربار تأیید کردند که 'شورایی عالی زنان در دوران حیات خود منشاء خدمتی برای زنان نبوده است. از جمله مجله 'زن روز' باین مناسبت نوشت: 'شورایی عالی زنان پس از هشت سال موجودیت کم اثر و کم تحرک خود بعلت نقض های بسیار و انتقادات شدید روشنفکران و جناح لیبرال جامعه زن در آستانه انحلال قرار گرفت. جاننشین شورای ناموفق مزبور سازمان زنان ایران است. اما با آنکه عدم کفایت شورایی عالی زنان منکری نداشت ' علل آن در پرده ماند ' زیرا در حقیقت سوازی دربار و شخص اشرف پهلوی کسی در این میان مقصر نبود.

شهریور ۱۳۴۵ اشرف سازمان زنان ایران و اختلافات پنهان و آشکار

زنان قادر نبود نقش مورد نظرها در پیشبرد نهضت زنان ایفا نمایند. این عدم قابلیت را به گرفتن ' محدودیت های هدف و تشکیلات و عضویت ' و نیز وجود عوامل ضد نهضت زن ' گذارد. وی و عده داد که ' سازمان زنان ایران اقدامات اساسی و بیسابقه ای در زمینه بالا بردن موقعیت و رفاه حال زنان کشور خواهد نمود. با آنکه در ابتدا انحلال سازمانها و ادغام آنها در سازمان جدید اعلام شده بود ولی چون ' با مخالفت برخی از رهبران این سازمانها مواجه شد و این مخالفت ها حتی به جلسات مصاحبه های مطبوعاتی هم کشیده شد' مسئله انحلال سازمانها مسکوت ماند از همین جا وجود برخی اختلافات بین سازمانهای قبلی و سازمان جدید التباسی حدس زده شد نشانه های دیگری از اختلافات نیز کم کم خود را نشان دادند از جمله هنگامیکه زنان حزب ایران یون بعلت اختلافات درونی جناحهای مختلف هیئت حاکمه خود مستقل از سازمان زنان سمیناری بمنظور بررسی وضع حقوقی زنان در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۴۵ در تهران تشکیل دادند ' سازمان زنان ایران که تشکیل این سمینار مورد پسندش نبود ضمن یک آگهی کوتاه در روزنامه های عصر و با مسکوت گذاردن عملی منشاء سازمانی این سمینار ' اعلام نمود که: 'سمینار زنان که در تهرات تشکیل شده ارتباطی با سازمان زنان ایران ندارد. در حالیکه اگر منظور که از سازمان سازمان زنان برمیآید یکی از هدفهایش ' هم اهنگ نمودن فعالیت های جمعیتهای زنان است ' لازم بود سمینار مزبور که صرف نظر از انگیزه های سیاسی و اجتماعی قدیمی درراه مطامه و بررسی خواستها و مطالبات زنان بود لااقل با بارز خرسندی از طرف گردانندگان سازمان زنان تلقی شود. باز هم نشانه دیگر اختلاف ' خبر مندرج در مجله 'باشاد بود که نوشت: ' در اجتماع کاخ سنا (منظور جلسه سازمان زنان با شرکت اشرف پهلوی است) قیافه های زنان شرکت کننده در سمینار حزب ایران 'توین بیچاره نمیخورد ' و آخرین نشانه حمله شدید عوامل دربار و مجلس و دولت بطرح ابتکاری

خانم دکتر منوچهریان در مورد حقوق خانواده بود که آشکارا نشان میداد ' ضمن آنکه افراد و گروههایی از زنان مایل به فعالیت مستقل از دربار هستند' چگونه دربار در برابر این تلاشها ' چهره عبوس نشان میدهد.

سازمان زنان ایران ' با کدام برنامه کار و عمل ؟ تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۵ تشکیل داد و به انتخاب هیئت مدیره و تصویب یک قطعنامه پرداخت. در این مجمع به نقل قول از روزنامه های پایتخت ۵۰۰۰ زن از تهران و شهرستانها شرکت نموده بودند. اما قطعنامه ای که بصورت این ۵۰۰۰ زن رسانده شد نشان داد که هدف دربار سرگرم کردن زنان بامور فرعی و انحراف آنان از هدف منطقی مبارزه است. نخستین ماده قطعنامه این مجمع در باره لزوم تشکیل کلاسهای برای بسواد کردن زنان و کودکان ایران است. هیچکس منکر لزوم باسوادی زنان نیست. ولی هرگز نباید مبارزه با قوانین ارتجاعی و ظالمانه کنونی را تحت الشعاع با سوادی زنان قرار داد و این را بان مرجح داشت. در دومین ماده قطعنامه توصیه میشود: ' در کتب درسی مدارس مطالب لازمی درباره مقام زن گنجانده شود تا طرز فکر صحیح در نسل آینده نسبت به شخصیت زنان بوجود آید. احسنت براین تدبیر! آیا زنان در شرایط مناسب عرضه شخصیت اجتماعی ' سیاسی ' فرهنگی و هنری خویش بهتر میتوانند جای شایسته خود را در اذهان و افکار تأمین کنند یا از طریق گنجاندن چند بند و اندرز در کتاب های درسی ' ماده ۳ قطعنامه ' تساوی حقوق مدنی زن و مرد را با تأکید آنکه باید ' در چارچوب موازین شرعی و قانونی ' اقدامات اساسی بعمل آید توصیه میکند و بلافاصله پیشنهادهایی میدهد که ابتدا ارتباطی با اقدامات اساسی ' برای ' تساوی حقوق زن و مرد ' ندارد. از جمله: ' تشکیلات حقوقی سازمان زنان دفاع از حقوق زن را در محاکم دادگستری برعهده میگیرد. کوئی کار تاکنون زن مظلوم و مقهور بوده نه بعلمت وجود قوانین ظالمانه بلکه بدین سبب بوده که تشکیلات حقوقی سازمان زنان بدافع از حقوق زن ایرانی برخاسته است! همه کس میداند تا زمانی که قانون مدنی بشکل کنونی وجود دارد هیچ سازمانی حتی بفرض حسن نیت کامل هم قادر به دفاع از حقوق واقعی زنان نیست. قطعنامه پیشنهاد میکند:

• مراکزى در میدانگاهها و خیابانهای اصلی و پر جمعیت شهر ها برای مشاوره و کمک حقوقی به زنان بوجود آید. شک نیست که اگر تمام میادین و خیابانهای اصلی و فرعی و حتی کوچه پس کوچه های کشور از اینگونه مراکز پر شود تا زمانیکه قانون زن را بی حق شناخته است هیچ مشاوره و کمکی نمیتواند در اصل محرومیت حقوقی زنان تغییر ایجاد کند. قطعنامه تشکیل ' گروه مددکاران حقوقی ' و نیز ' پرورش گروه زنان حقوقدان ' را وعده میدهد. لازم به تذکر نیست که همه این اقدامات فقط در شرایطی میتواند واقعاً مفید باشد که نخست قوانین کنونی لغو و عدم تساوی حقوق زن و مرد منسوخ شود. ' مددکاران حقوقی ' و ' زنان حقوقدان ' میتوانند فقط در اجرای صحیح قوانین نظارتوزنان را یاری نمایند ولی قادر نیستند در ماهیت قوانین تغییری ایجاد کنند. مواد این قطعنامه به روشنی نشان میدهد که سازمان زنان ایران برنامه روشنی و مشخصی برای تأمین حقوق برابر زن ندارد بلکه در حقیقت نوعی سازمان خیریه است که بقول خود میخواهد: ' ماچا و پناهگاه زنان مظلوم در برابر شوهرانی که به خانواده خود ظلم میکنند ' باشد. بدین ترتیب دربار میخواهد ساهانهایی دیگر نیز ' نهضت زنان را با تشکیل کلاسهای مبارزه با بیسوادی و ایجاد مراکز مشاوره و کمک حقوقی سرگرم کند و از تجهیز و تشکل آنان در راه خواستهای مبرم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شان جلوگیری نماید.

چه باید کرد ؟ طبعیت مستبد رژیم امکان تجهیز و تشکل در صفوف یک سازمان اصیل انقلابی را از زنان سلب نموده است ' وظیفه زنان مترقی چیست و فعالیت خود را باید چگونه

جریان دوره اجلاس

دفاع از خلق دلاور ویتنام

شانزدهمین دوره اجلاس شورای عمومی سندیکائی جهانی از ۶ تا ۹ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۵ تا ۱۸ آذر ۱۳۴۵) در صوفیه برگزار شد و در آن فعالیت فدراسیون در دوران پس از کنگره ششم مورد بررسی قرار گرفت. مسئله توسعه وحدت عمل و همبستگی بین المللی به پشتیبانی از زحمتکشان و خلق ویتنام، بسود زحمتکشان سرمایه داری جهان که برای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و بسود زحمتکشان و خلقهای که برای صلح علیه امپریالیسم، استعمار و استعمار نو مبارزه میکنند اساس مذاکرات و تصمیمات شورای عمومی را تشکیل میدهد.

طبق قطعنامه‌های صادره، تحول وضع بین المللی ارزیابی و رهنمودهای کنگره ششم فدراسیون را کاملاً تأیید میکند. ادامه و تشدید تجاوز امپریالیسم آمریکا در ویتنام در تحول وضع بین المللی نقش مناسط دارد. پیشنهادهایی مطرح شده از طرف دولت ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل ملق 'مسخره انتخاباتی سایگون و شورای جنگی مانیل که زیر پرده 'کمک اقتصادی' برگزار شد مجموعاً برای استیلا توسعه تجاوز ایالات متحده آمریکا بوده است. از طرف دیگر جنبش توده ای در سراسر جهان به پشتیبانی از پیکار قهرمانانه خلق ویتنام گسترش می یابد. شورای عمومی فدراسیون باغظ توجه باین که مقاومت قهرمانانه خلق ویتنام، کمک مادی همه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی بین المللی طبقه کارگر و خلقها عوامل اساسی نیروی را تشکیل میدهند از اتحادیه ها و زحمتکشان همه کشورها می خواهد تا در امر پشتیبانی از مردم ویتنام دامنه فعالیت خود را گسترش دهد و بر شدت مبارزه پیگیر و مؤثر خود بیافزاید. در پیامی که از طرف شورای عمومی خطاب به اتحادیه ها و زحمتکشان جهان صادر شده است پس از تشریح جنبهها و عملیات تبهکارانه تجاوز کاران آمریکائی چنین گفته میشود:

' مردان و زنان زحمتکش اتحادیه های جهان! علیترجم اعتراضات و اقدامات مجدانه شما ایالات متحده آمریکا به تشدید و توسعه تجاوز خونین خود علیه خلق ویتنام ادامه میدهد و در زیر پرده استیلا 'صلح طلبی دروغین' میکوشد جنگ تجاوز کارانه خویش جنبه بین المللی بدهد و بدینسان صلح را در هند و چین، آسیای جنوب شرقی و در سراسر جهان بشدت تهدید میکند. همواره در نظر داشته باشید که نبرد خلق ویتنام علیه تجاوز کاران آمریکا تنها برای آزادی و استقلال میهن خود نبوده، برای حفظ آزادی و استقلال همه خلقها، باغض صلح و دموکراسی و ترقی در سراسر جهان نیز میباشد.

بشکال گوناگون، مبارزه علیه تجاوز آمریکا را تشدید کنید! به پشتیبانی مادی و معنوی خود از مبارزه زحمتکشان و خلق ویتنام بیفزایید! با نیروی باز هم بیشتر عملیات جنون آمیز تشدید جنگ تجاوز کارانه علیه ویتنام و تبهکاریهای امپریالیستهای آمریکا را افشا کنید! از ادعاهای دروغین 'صلح طلبی' امپریالیست های آمریکا و از کوشش آنها برای مداخله دادن سازمان ملل متفق در مسئله ویتنام پرده برگیرید! مصممانه مبارزه کنید تا از دولت آمریکا خواسته شود که:

- جنگ تجاوز کارانه در ویتنام جنوبی خاتمه دهد.
- به مبارزات و هرگونه عملیات جنگی دیگر علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام فوراً و بلاقید و شرط پایان بخشد.
- ویتنام جنوبی را از کلیه قوای نظامی، تسایحات و وسائل جنگی ایالات متحده آمریکا و اعمار آن تخلیه نماید.
- حق خلق ویتنام را برای تعیین سرنوشت خویش برسمیت بشناسد.
- جنبه آزادیبخش ویتنام جنوبی را بعنوان یگانه نماینده واقعی ویتنام جنوبی برسمیت بشناسد.
- قرارداد سال ۱۹۵۴ ژنورا در باره ویتنام و درباره اینکه خلق ویتنام حق دارد خود مسئله وحدت مسالمت آمیز میهنش را حل کند محترم بدارد و دقیقاً بکار ببرد.
- با اقدامات مؤثر و مجدانه دست زیند و بسا فرستادن دارو، لباس، خوراک، پول و غیره بخلق

در شانزدهمین دوره اجلاس شورای عمومی سندیکای جهانی

خود ادعا های دروغین طراحان 'جامعه بزرگ'، 'جامعه شکل یافته'، 'جامعه زرافه'، 'جامعه همکاری کار و سرمایه' و از اجیف دیگری را که متناوباً در کشورهای سرمایه داری گل میکنند نقش بر آب کردند. چهره خشن واقعیت نشان میدهد که تضاد بین کار و سرمایه تنها تهاتر کوچکترین تخفیفی نیافته بلکه در نتیجه تمرکز و انغام روز افزون انحصارها و دخالت مستقیم دولتهای سرمایه داری در مناسبات کارگر و کار فرما شدت یافته است.

مبارزه کارگران در راه حقوق خود

در گزارش رفیق ژسو دبیر کل جانشین فدراسیون سندیکائی جهانی گفته شده است که در ماههای اخیر مبارزه برای افزایش دستمزد، تقبیل ساعات کار بدون کاهش دستمزد، مبارزه برای انعقاد آزادانه قرارداد های جمعی که متضمن کلیه شرایط کار و دستمزد باشد، مبارزه برای برانداختن هر گونه تبعیض سنی، ملی، نژادی و جنسی، مبارزه برای تضمین توسعه آزادیها و حقوق سندیکائی در مرکز توجه طبقه کارگر بوده است.

مطالبات توده های زحمتکش مقاومت روز افزون کار فرمایان و دولتهای سرمایه داری برمی خورد. تمرکز سرمایه انحصاری، انغام انحصارها و توسعه طلبی نو استعماری شیوه های تحکم آمیز رهبری اقتصادی را ب مقیاس بین المللی تأیید داده است. قوانین موجود مزاحم انحصارها است و از آنجا که انحصارها حقوقی را که کارگران با مبارزه بدست آورده اند مورد حمله قرار میدهند قوانین جدیدی می خواهند که با مقاصد آنها و با تجدید سازمان ضدهو کراتیک اقتصاد وزندگی اجتماعی تطبیق کند.

نقض حقوق سندیکائی در محل کار بمنظور جلوگیری از وحدت سندیکائی، اعمال فشار علیه فعالین و رهبران اتحادیه ها بمنظور تهدید کارگران و تضعیف سندیکاهای از جمله شیوه هایی است که انحصارها بکار مینهند. توده های کارگر با تجربه شخصی ارتباط موجود میان مبارزه برای منافع حیاتی فوری و مبارزه برای حفظ و توسعه حقوق و آزادیهای دموکراتیک و سندیکائی و برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را با وضوح و روشنی روز افزونی درک میکنند. این امر مهم امکان واقعی اتحاد توده های زحمتکش و اعتلاء خصلت مطالبات آنها را نشان میدهد.

تجارب جنبش کارگری در اسپانیا

در این باره تجربه طبقه کارگر اسپانیا در زمینه تحصیل حقوق سندیکائی و دموکراتیک و دموکراتیزه کردن کشور ارزش خاصی دارد و برای تمام جنبش سندیکائی و دموکراتیک متضمن درس گرانبهائی است. در اسپانیا چنانکه بتفصیل در گزارش رفیق ژسو تحلیل شده است طی سالهای متعددی بویژه از سال ۱۹۶۲ با بنظر آنکه که سال اعتصابهای دامنه داری بود مبارزه زحمتکشان در دو زمینه انجام میگردد: یکی در زمینه توسعه مبارزه مطالباتی، دیگری در زمینه متشکل کردن جنبش کارگری از طریق کمیسیون های کارگری. این دو جهت مبارزه با هم پیوند نزدیک دارد و مکمل یکدیگر است.

جنبش مطالباتی طی سالهای اخیر در اسپانیا وسعت یافت و وسعت جنبش از سوئی و خصلت توده ای آن از سوی دیگر رژیم فرانکو را از توسل به شدت عمل باز میداشت. زحمتکشان حق اعتصاب را عملاً بر رژیم تحمیل کردند. در عین حال مبارزه خصلت عالیتر کسب نمود زیرا توده های زحمتکش علاوه بر مطالبات صنفی و اقتصادی خواسته های سیاسی از آن جمله حق اعتصاب، آزادیهای سندیکائی، برسمیت شناختن کمیسیونهای کارگری کارگاهها را نیز به پیش کشیدند. کمیسیونهای کارگری در دوران توسعه جنبش مطالباتی پدید آمد و در جنبش کارگری نقش رهبری را ایفا کرد. کمیسیون ها در ابتدا در کارگاهها بطور موقت و

برای اقدام مشخص بوجود می آمدند و پس از انجام مأموریت منحل میشدند ولی بتدریج جنبه دائمی کسب کردند. اعضاء کمیسیونها طی اجتماعات دموکراتیک و وسیعی که در آنها کاهی وزارت کارگر شرکت داشتند مستقیماً از طرف کارگران کارگاه انتخاب میشدند. کمیسیونهای کارگاهی ارگانه های بالاتری بنام کمیسیونهای ایالتی و حرقه ای بوجود آوردند و بدین ترتیب برای ایجاد سازمان سندیکائی واحد کشوری مقدمات مساعدی فراهم شد. کمیسیونهای کارگری برنامه های مطالباتی کارگران را تنظیم میکنند، همه اقدامات آنها علنی است و با کار فرمایان و مقامات دولتی راجع به قرارداد های جمعی بمذاکره می پردازند، مبارزات صنفی کارگران را در محل کار رهبری میکنند. مهم است که فعالیت کمیسیونها با دشواریهایی مواجه است چه بسا اعضاء کمیسیونها را از کار اخراج میکنند یا بزندن میکنند ولی چون این سازمانها نماینده نیروی واقعی کارگران هستند بدون آنکه از طرف مقامات دولتی رسمیت آنها تأیید شود موجودیت خود را بکار فرمایان و دولت تحمیل میکنند. کمیسیونهای کارگری از بدو پیدایش خود به مثابه مظهر وحدت منافع همه کارگران، بنبطه نیروی دموکراتیک و مستقل از احزاب سیاسی، دولت و کار فرمایان با میدان نهانند.

در آنها کارگرانی که عقاید سیاسی گوناگون دارند اعم از کمونیست، سوسیالیست، سندیکالیست، ناسیونالیست و حتی فالانژیستهای که با رژیم فرانکو و اتحادیه های فاشیستی اختلافاتی دارند بویژه نیروهای جوان و کادریهای جدیدی که در مبارزه علیه رژیم فرانکو آیدیده شده اند شرکت دارند. همه اعضاء کمیسیون های کارگری بطور دموکراتیک از طرف کارگران صرفاً بر اساس موضعی که در قبال مسائل مربوط بمبارزات مطالباتی اتخاذ میکنند انتخاب میشوند.

اخیراً کمیسیونهای کارگری اسپانیا موفق شدند شرکت وسیع کارگران را در انتخابات سندیکائی سازمان داده و وسائل انتخاب افراد مورد اعتماد کارگران را برای اشغال مقامات رهبری سندیکاهای فراهم سازند. در جریان مبارزات انتخاباتی کمیسیونهای کارگری توده های کارگر توضیح میدادند که سخن بر سر انتخاب چند تن نماینده سندیکائی نیست، بلکه بر سر بدست آوردن مواضع جدیدی است تا بتوان برای تشکیل اتحادیه های طبقاتی مستقل و دموکراتیک برای حق اعتصاب، افزایش حد اقل دستمزد، علیه اخراج کارگران و برای رسمیت قانونی دادن به کمیسیونهای کارگری در سطح عالیتری مبارزه کرد.

تجربه طبقه کارگر اسپانیا نشان میدهد که با کار صورانه توده ای و با تلفیق دقیق کار مخفی و علنی و با استفاده از روش های موجود در دستگاه ها که میتوان به مبارزات سندیکائی دست زد و در تشکیل سازمانهای صنفی واقعی کارگران توفیق حاصل نمود. وضع کنونی جنبش کارگری در نقاط دیگر

رفیق ژسو ضمن تشریح فعالیت سندیکائی در کشورهای سوسیالیستی توضیح داد که طی سال گذشته کشورهای سوسیالیستی در زمینه اقتصادی بموقیتهائی جدیدی نائل شدند، همکاری بین آنها افزون گشت، سطح زندگی مردم در این کشورها اعتلا پذیرفت و مساعی مشترک آنها برای پیروزی امر صلح ادامه یافت. در کشور های سوسیالیستی هماهنگ ساختن منافع کارگران با منافع تمام خلق وظیفه سندیکاهای است. اتحادیه ها در حل کلیه مسائل مورد علاقه زحمتکشان شرکت میکنند، در فرمهای اقتصادی که برخی از کشورهای سوسیالیستی بکار بسته اند نقش سندیکاهای باز هم بارز تر شده است. سندیکاهای کشور های سوسیالیستی فعالانه در تنظیم رفرمها و کنترل اجرای آنها شرکت میکنند، تغییراتی که در نتیجه رفرمها در زندگی سندیکائی پدید آمده است ثابت میکند که بسط و گسترش پروسه دموکراتیک امروز بیش از همیشه تمرینش و مؤثر است.

در آفریقا و در کشورهای خاور میانه و نزدیک جنبش سندیکائی با مسائل بفرنجی مواجه است. در کشورهای هائی که رژیم تبعیض نژادی در آنجا حکمروا است، توده های مردم برای آزادیها و حقوق بنیادی همیشه تمرینش و مؤثر است.

در آفریقا و در کشورهای خاور میانه و نزدیک جنبش سندیکائی با مسائل بفرنجی مواجه است. در کشورهای هائی که رژیم تبعیض نژادی در آنجا حکمروا است، توده های مردم برای آزادیها و حقوق بنیادی همیشه تمرینش و مؤثر است.

بخش اول این مقاله در شماره پیشین بطبع رسیده است

یادی از جنبش های اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

اسماعیلیه و حسن صباح اسماعیلیه بطور کلی بان شعبه از شیعه گفته میشود که پس از امام جعفر صادق امام ششم بجای موسی بن جعفر پسر دیگر او اسماعیل و پس از مرگ او پسرش محمد را امام میدانند بدین طریق شیعیان اسماعیلی از شیعیان اثنی عشری از این نقطه جدا و بعد ها خود نیز شاخه های دیگری تقسیم میشوند. آنچه در عقاید اسماعیلیه مهم است مخالفت با تقیه است که علویان بان عقیده داشتند تقیه و سکوت بجای مبارزه و بیان صریح عقیده و افکار را اسماعیلیه مردود میدانند و شعار آنها مبارزه با تمام اشکال آن علیه حکومت عباسیان و حکومت های تحت نفوذ آنها بود. اسماعیلیه در تمام ممالک اسلامی از جمله در ایران نفوذ فراوانی یافتند و مدت ها حکومتی در درون حکومت های وقت تشکیل دادند عراق آنها را باطنیه ' قرامطه ' و مزدکی میخواندند در خراسان آنها را تلمییه ' ملاحده و گاهی الحاقیه می نامیدند. اسماعیلیه دستورات دینی را طبق نظرات اجتماعی خود تعبیر میکردند در سال ۲۹۷ هـ یکی از دعوات اسماعیلیه موفق شد که افریقا را از تسلط حکومت عباسی برهاند و سلسله فاطمیه مصر را بوجود آورد مبارزه اسماعیلیان و طرز فعالیت و سازمان دادن آنها در ممالک اسلامی و بخصوص در ایران چنان سرسختانه ' شجاعانه ' مدبرانه و عاقلانه است که پس از قرن ها میتواند نمونه و سرمشق خوبی برای مبارزات پنهانی در شرایط ترور و اختناق قرار گیرد اسماعیلیه یقیناً گرفتن علوم زمان خود علاقه فراوان داشتند و در زمینه ترویج آن در بین پیروان خود و مردم سعی فراوان کردند و به همین دلیل گروهی ' اخوان الصفا ' را که پنجاه و یک جلد رساله در زمینه فلسفه و علوم تألیف و مجرمانه در بلاد اسلامی منتشر کردند از اسماعیلیان میدانند. ایرانیان بطور کلی در مسئله امامت و ساختن و پرداختن اصول و فروع آن عامل اساسی بودند و قسمتی از عقاید مانوی و زردشتی را در افکار و عقاید شیعه وارد کردند. مؤسس اسماعیلیه ایران ' حسن صباح اصلا از اهالی ری بود که خانواده او به نیشابور مهاجرت کرده بود. نهضت اسماعیلیه ایران از لحاظ سیاسی جنبشی ' حکومت ترکان در ایران و در عین حال علیه دربار خلفای عباسی بود. حسن صباح و پیروان او چنان سازمان محکم و متین و قلاع و استحکامات رفیعی بوجود آوردند که مدتی نزدیک بدو قرن در سرزمین ایران بخصوص در رود بار الموت و قهستان پایبندی کرد و چنان نفوذ و قدرتی بدست آوردند که حکومت های وقت دائم از آن بیم بودند. اسماعیلیان کلمه رفیق را در بین خود رواج دادند و رفتار آنها نسبت بهم واقفاً رفیقانه بود. نقص کار آنها در این بود که بجای ادامه تجهیز توده ها و کشاندن آنها بمبارزه وسیع توده ای به ترور و کجنگان سازمانهای مخفی خود در دستگاه های دولتی و کوشش برای جلب امرا اهمیت قائل دادند و باین دلیل با وجود داشتن گارد های ضربتی ورزیده و مترور غیرم نفوذ فوق العاده ای که داشتند نتوانستند به هدف اصلی خویش که ایجاد کشور و حکومت واحدی در ایران باشد برسند تا آنکه هلاک خوان مغول قلاع آنها را در هم کوبید و مرکز آنها را در الموت از میان برداشت.

جنبش قرامطیان قرامطه دسته ای از اسماعیلیانند که معتقد بامامت محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق بودند. در سال ۲۷۶ هجری ابو سعید حسین بن بهرام جنابی قرامطی ' در بحرین بر ضد خاندان عباسی قیام کرد و مدتی مدید خود و خانواده اش که همه ایرانی بودند عباسیان و بسیاری از امرای محلی مشرق را بخود مشغول داشتند. ابو سعید طرفداران خود را بجنگ و گریز یا باصطلاح امروز جنگ پارتیزانی عادت داد و مکرر سرداران عباسی را دچار شکست کرد. ابو سعید دامنه تصرفات خود را توسعه داد و در سال ۳۰۲ هـ کشته شد. پس از او ' ابو طاهر سلیمان ' برپاست

انقلابات ملی در آسیا سرورده و ستوده است. هدف ما در اینجا ذکر تاریخ انقلاب مشروطیت که اطلاع دقیق بر آن برای هر مبارز ضد استعمار و استقلال طلب ضرور است ' نیست ' بلکه بیشتر جلب توجه آنها با اهمیت این انقلاب و مخصوصاً عطف نظر آنها بدرجه فداکاری ' از خود گذشتگی ' دلیری و پایداری انقلابیون است. تاریخ انقلاب مشروطیت بر این ادعای باطل که گویا مردم ایران پوسیده و فاسد شده و سنجایی خود را از دست داده و فاقد روح انقلابی و مقاومتند ' خط بطلان میکشد. این انقلاب که در سال ۱۹۰۶ آغاز گردیده و دامنه آن تا سال ۱۹۲۲ کشیده شده است پراز قهرمانها و دلاوریها و تهورها و جسارتهاست که بهیچوجه دست کمی از انقلابات سایر ملل ندارد. انقلاب ایران با سلطنت قاجار ' با فتودالها ' با سران عشاير و ایلات ' با قزاقان روسیه ' تزاری ' بانگلیسها ' با قدرت معنوی روحانی نماها و بانواع تحریکات امپریالیستها دست و پنجه نرم کرده و مکرر بر آنها فائق آمده است.

گرچه انقلاب مشروطیت بعقل خاصی که مربوط بسجایا و ظرفیت انقلابی توده های مردم ایران نیست بهدفعهای نهائی خود نرسید با وجود این منشاء تحولات بزرگی در تمام شئون زندگی مردم ایران گردید.

قیام خیابانی

شیخ محمد خیابانی یکی از چهاردهای درخشان انقلاب مشروطیت است که پس از انقلاب کبیر اکبر در تبریز و آذربایجان بر رأس قیامی که بقیام خیابانی معروف است قرار گرفت. اولین بیانیه قیام کنندگان که روز پنجشنبه ۱۹ فروردین و ۱۸ ماه رجب ۱۳۳۸ هجری - قمری منتشر گردید برنامه قیام را چنین اعلام میکند: ' در دو کلمه پروگرام آزادیخواهان عبارت از اینست: برقرار داشتن اساس عمومی ' از قوه بعقل اورژن رژیم مشروطیت. قیام کنندگان تمام ادارات محلی و شهربانی را متصرف شدند و اداره امور شهر را بعهده گرفتند. این قیام زمانی بوقوع پیوست که حکومت مرکزی برپاست و ثوق الدوله ' عین الدوله دشمن قدیمی مشروطه را بوالیگری آذربایجان بانجا فرستاد. خیابانی نام آذربایجان را باین دلیل که در راه آزادی و برچین بساط استبداد در ایران کوشش بسیار نموده به ' آزادستان ' تبدیل نمود. جنبش خیابانی از ابتدا با مخالفت استعمار طلبان انگلیس روبرو شد و از آغاز کار شروع بتحریکات و ایجاد دسته های مخالف علیه آن نمودند. عمال حکومت مرکزی نیز بتوبه خود از پای نشستند تا دامنه نفاق و اختلاف را در داخل آزادیخواهان توسعه دهند. در تهران خیابانی را بتجزیه طلبی متهم کردند. خیابانی در نطق های مهیج و مکرر خود این اتهام را بارها رد کرد. کسروی با آنکه از خیابانی دلخوشی نداشته و جزء گروه مخالفان او بوده است خیابانی را بتجزیه طلبی متهم نمیکند. او در تاریخ مشروطیت خود می نویسد که: ' خیابانی این را میخواست که آذربایجان در دست او باشد که جد اسرانه فرمان دهد و سپس که نیرومند گردید بسر تهران رفته آنجا را هم ' اصلاح ' کند. ' قیام خیابانی و جنبش بزرگی که ضد و ثوق الدوله عاقد قرارداد ننگین بانگلیسها در سراسر کشور بوجود آمد باعث سقوط حکومت و ثوق الدوله گردید و حکومت مرکزی مخیر السلطنه را بجای عین الدوله بوالیگری آذربایجان به تبریز فرستاد. تحریکات و توطئه گیری استعمار طلبان و ارتجاع ایران از سوئی نفاق و دو دستگی آزادیخواهان و اشتباهات خیابانی از سوی دیگر باعث شکست این قیام گردید. مخیر السلطنه ببناری نیروهای قزاق که در بادکان تبریز همچنان مسلحانه باقی مانده بودند شهر را تصرف کرد و خیابانی هم مقتول گردید.

قیام خراسان یا قیام کلنل

محمد تقی خان پسیان قیام خراسان نیز در عرض قیام گیلان و جنگل و خیابانی قیامی است ملی ' ضد استعماری و استقلال طلبانه که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اکبر در خراسان بوقوع پیوسته و رهبری آن با کلنل محمد تقی پسیان از افسران آزادیخواه ژاندارمری بوده است که سراسر خراسان را در بر گرفته و توجه توده های مردم را بخود جلب کرده است. این جنبش مورد توجه کلیه محافل دولتی و اداری ایران واقع گردید ' شعاری مترقی در وصف آن شعرها گفتند و امثال عارف شاعر ملی آزادیخواه آنها ستودند. اما این جنبش پس از کشته شدن کلنل در سال ۱۳۰۰ در جنگ با قوای مسلح فتودالها که بدستور دولت مرکزی (حکومت قوام السلطنه) دست بغارت و چپاول و ایجاد ناامنی در خراسان زده بودند خاموش شد و قوای دولتی نتوانستند باران او را در هم شکنند.

قیامهای دیگر

از جمله قیامهایی که در واقع دنباله جنبش مشروطیت و تحت تأثیر مستقیم انقلاب اکبر پدید آمده یکی قیام مسلح شاعر معروف بهمازور لاهوتی خان در آذربایجان و دیگری قیام لهاک خان در خراسان است. از فهرستی که در بالا باختصار و بالا چپار

انقلاب مشروطیت

جنبش انقلابی ضد فتودالی و ضد استعماری مردم ایران که نام مشروطه بدان داده اند انقلابی اصیل و دامنه دار و تا آن حد قابل اهمیت است که لنین آنرا سرلوحه

اشغال کردند جنبش وسیعی ضد نیرو های اشغالگر پدید آمد. لبه تیز این جنبش متوجه قوای انگلیس و تزاریسیم دوشمن دیرین ایران بود. میرزا کوچک خان که یکی از مبارزان انقلاب مشروطیت بود در رأس عده ای از آزادیخواهان در گیلان علیه قوای روسیه تزاری برپا خاست و سپس با کمک آزادیخواهان حکومت انقلابی گیلان را بوجود آورد که هدف آن اخراج انگلیسها و بسط آزادی در سراسر کشور بود انقلاب کبیر اکبر و فرا خواندن ارتش روس از ایران حکومت انقلابی گیلان را تقویت نمود. اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندر بهلهای تشکیل گردید و برنامه حزب کمونیست ایران را مبنی بر اخراج امپریالیستها از ایران ' واژگون رژیم سلطنتی و فتودالی و معادله و تقسیم بالا عرض املاک مالکان بزرگ تصویب کرد. قبل از این کنگره کمونیستها با میرزا کوچک خان که صدر حکومت انقلابی بود همکاری میکردند و در نتیجه انقلاب در حال پیشرفت و نیرو گرفتن بود. پس از تشکیل اولین کنگره حزب کمونیست و انتخاب کمیته مرکزی حزب در رهبری حزب و هم بین میرزا کوچک خان و حزب کمونیست اختلاف پدید آمد. میرزا کوچک خان که هدفش در کادر تعاملات ناسیونالیستی بزرگوای محدود بود قوای خود را برداشت و از رشت بدرون جنگل رفت و حکومت جدید انقلابی برپاست احسان اله خان تشکیل شد. ائتلاف و اختلاف بین قوای جنگل و حکومت انقلابی گیلان ضریب بزرگی به جنبش گیلان که نقطه امید همه آزادیخواهان ایران بود ' وارد کرد. در این موقع قوای دولتی با کمک نیرو های نظامی انگلستان که در شمال ایران را نیز تصرف کرده بودند با اطلاع از دو دستگاه نیرو های ملی حمله بزرگی علیه نیرو های مسلح انقلابی که تا نزدیکی قزوین پیش آمده بودند آغاز کردند و تا پهلوهای پیش رفتند. دلیری و شهامت مبارزان کمونیست و مدد انقلابیون قفقاز توانست مهاجمان را بعقب نشینی وادار کند و شهر رشت بار دیگر بچنگ نیرو های انقلابی افتاد. در این موقع حیدر عوفالی قهرمان دلیر ' پخته و با تدبیر بگیلان شتافت و هم خود را برقع اختلافات و تشکیل جنبه واحد با میرزا کوچک خان معطوف داشت اما اختلافات ریشدار از یکطرف و اقدامات تفرقه انگیز عوامل حکومت ارتجاعی قوام و انگلیسها از طرف دیگر کار را بانجا رساند که میرزا کوچک خان نامردانه عده ای از سران کمونیست حکومت انقلابی را در دعوتی که از آنها بجنک کرده بود بقتل رساند و زمینه برای بیروزی نیرو های دولتی فراهم گردید. ابتدا حکومت انقلابی گیلان و سپس میرزا کوچک خان از پای درآمدند. جنگهای قوای مسلح انقلابی در گیلان و مبارزه پراز دلیری و شهامت و فداکاری انقلابیون است که باید سرمشق تمام مبارزان راه آزادی و استقلال ایران گردد.

در شانزدهمین دوره اجلاس شورای عمومی سندیکای جهانی

وحدت سندیکائی جهانی

مسئله وحدت جنبش سندیکائی که همواره در مرکز توجه فدراسیون سندیکائی جهانی بوده است، بار دیگر در شانزدهمین دوره اجلاس شورای مطرح گردید. پیشرفتهائی که در این زمینه حاصل شده است مورد بررسی قرار گرفت. در این باره ضمن قطعنامه عمومی مصوب شورا چنین قید شده است: فعالیت سندیکائی اکنون در شرائطی انجام میگردد که مبرم بودن مسئله وحدت با نیرو و روشنی بیشتری مطرح میشود. توافق بین انحصارهای دولتی از سوئی و نفوذ روز افزون کشورهای سوسیالیستی از سوی دیگر زحمتکشان و سندیکاها را بیش از پیش بسوی مذاکره، تبادل نظر و همکاری سوق میدهد. فدراسیون سندیکائی جهانی در کلیه مدارج سندیکائی با مذاکره و تبادل نظر موافقت دارد زیرا سالهاست که لزوم آنرا احساس کرده است. برای عمل باید نخست به بحث پرداخت، باید کوشید تا در مسائلی که میتواند مشترک باشد تفاهم حاصل شود. زندگی تبادل نظر بین سندیکاها و وحدت عمل آنها را ایجاب میکند. فدراسیون سندیکائی جهانی طرفدار تشکیل یک مجمع بزرگ تبادل نظر بین المللی است که بدون قید و شرط و بدون استثناء همه در آن شرکت جویند. برای نیل باین هدف باید نخست در هر کشور وحدت عمل را گسترش داد، باید باشکال گوناگون به مذاکرات و تبادل نظرهای دو جانبه و چند جانبه پرداخت و بر اساس مسائل مورد توافق بعمل بین المللی مشترک و یا موازی اقدام کرد. در این زمینه اتحادیه های حرقه ای بین المللی برای نشان دادن شخصیت خود امکانات وسیعی دارند. وظیفه مبرم این اتحادیهها آنست که با مقدم داشتن مسائل سندیکائی دامنه فعالیت صنفی را بعد اکثر توسعه بخشند و بر این پایه در سراسر جهان وحدت عمل زحمتکشان و سندیکاهای رشته های مختلف را بسط دهند.

در اینجهت است که فدراسیون سندیکائی جهانی فعالیت کرده و خواهد کرد و بیشک علیرغم توطئه های انحصارها و کارشکنی های سران مرتجع مراکز سندیکائی ایالات متحده امریکا آنروز فراخواهد رسید که آرزوی دیرین طبقه کارگر تحقق یابد و سازمان بزرگ و واحد سندیکائی جهانی بوجود آید.

ح. فروردین

بقیه از صفحه ۵

یادی از جنبشهای اجتماعی و تاریخی کشورها

بدون تحلیل ذکر شد معلوم میشود که خلقهای ایران در طول تاریخ متمدن و پرحادثه خود آرام ننشسته و مردانه برای آزادی و استقلال مهن خویش و سرکوبی ستمکاران داخلی کوشیده اند.

جنبش توده ای طی یکقرن اخیر وارث واقعی این تاریخ طولانی و با عظمت قیامها و ظنیانهای انقلابی است. و همان شعلی را روشن نگاهداشته است که از دیر باز بدست مانیها و مزدکها بوسلمها و بابکها افروخته گردیده است.

تاریخ کشور ما نشان میدهد که قیامهای انقلابی تأثیرات عمیق ذرهائی ایان از جنگ غاصبین بیگانه و ستمگران داشته و تاخت و تازهای خونین جباران نتوانسته است ریشه آنها را خشک کند و مسلماً این جنبشها تاپیروزی نهائی و وسوسول بهترین آرمانهای ملی و طبقاتی پایدار خواهد بود.

نامه رفقای ویت نامی

بمناسبت سال نو میلادی (۱۹۶۷) دو سازمان زیرین ویت نام برای کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباشهای صمیمانه ای ارسال داشته اند:

- ۱ - کمیته ویت نامی دفاع از صلح جهانی
- ۲ - فدراسیون ویت نامی سندیکاها

ما بدینوسیله از این دو سازمان خلق برادر ویت نام صمیمانه تشکر میکنیم و موفقیت خلق دلاور و پرافتخار ویت نام را در نبرد علیه مهاجمان پلید امپریالیسم امریکا آرزو مندیم.

شاهین و ابر

ابر چون رنگ آسمان بنهفت
ای فسوس آسمان چون سیماب
که ییکباره نیست گردیدند
گفت شاهین پیر: « کای فرزند
ز چه نیرنگ ابر تیره ضمیر
خیز تا از شیب این هامون
پرده از پیش دیده برچینیم
کودک سر دو گرم نادیده
ابر اندر خیال آن نادان
پس بهمراه مام خود، شاهین
همجو کشتی که تن نکند بموج
ابرها چیره بود و ناخوش بود
چون پریدند اندکی بفرزاد
بال شاهین نو جوان فرسود
کانهچه خواهی برون ز دسترس است
گفت مادر: « بوصل عالم نور
ما که در شوق نور می سوزیم
باز رفتند اندکی برتر
ناگهان دید چشم کودک خام
و ندران صفا بلند مقام
گفت: « فرزند، اینک آن درگاه
می خورد ابر خوار و سرگردان
دم دیگر که برگداحت تش
ای که ییمت بچنگک باس سپرد

جوجه شاهین بهادر خود گفت:
وی دریغ آفتاب العتاب
دامن از این جهان فرا چیدند!
تهمت اینسان باسماں مپسند
ساخت سر خوردهات زشمس منیر؟
ساعتی برپریم برگردون
آنسوی ابر را عیان بینیم.
رنگ تردید داشت در دیده
نیروئی مینمود جاویدان
دلش از بیم و یاس سست و غمین،
رفت در آسمان تیره باوج
یاد هستی در آن فراموش بود
اندران عرصه تلاش و نیاز
گشت نوید و لب بشکوه گشود
نیست جزا بر، این تلاش بس است
رسد آن سالکی که هست صبور
باتلاش و شکیب پیروزم.
عرصه ابرها رسید بسر
آسمانی فراخ و نیلی فام
آفتاب فلک نشسته بکام
که تو پنداشتی شده است تباه
در پی این سرای جاویدان
نیست جایز کلام اهرمش
آفتاب فلک نخواهد مرد.

س. ا

بقیه از صفحه ۳

سازمانهای موجود زنان

سازمان دهند. بدون هیچ تردید بیکار نشستن و به امید دستی که از غیب بیرون آید و کاری بکنند، ناظر بیطرف حوادث بودند، نادرست و کار عناصر مبارز و انقلابی نیست. نمیتوان بر سازمانهای موجود زنان بعالت وابستگی هایشان، عدم فاعلیتشان در مبارزه، کم کاری و خرده کاری شان در گذشته مهر پلان زد و به امید آن نشست که روزی سر انجام شرایط مناسب برای فعالیت توده زنان در یک سازمان واقعی بوجود آید. باید راههای گوناگون مبارزه را در همین شرایط اختناق و در میان همین سازمانهای کم کار و خرده کار جستجو نمود. این راهها را باید یافت و با شجاعت در آن گام گذارد. عضویت در این سازمانها، بمنظور مبارزه با جنبه های ارتجاعی آنها و به پیش بردن شعارهای مربوط بزنان نه تنها لازم، بلکه وظیفه مبرم هر زن آگاه انقلابی است. همه این سازمانها را باید به تریبون حق طلبی توده زنان تبدیل نمود و صرف نظر از آنکه وابسته به دربار، طبقات متنازه و یا عناصر عقب مانده و ارتجاعی باشند، اقتدر که با داعیه مبارزه برای

تساوی حقوق زن و مرد به میدان آمده اند کافی است که از آنان بعنوان سنگری برای مبارزه استفاده نمود. باید عاقلانه و هشیارانه از تضاد بین سازمانهای مخالف زنان از تضاد بین اعضا ساده و برخی رهبران مرتجع این سازمانها، از تضاد بین جناح بطور نسبی مترقی و جناح ارتجاعی تر این سازمانها برای پیشبرد شعارهای زنان استفاده کرد، باید شارهائی را که در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده اند، مثلا تغییر قانون مدنی، در برابر این سازمانها قرارداد واز آنها خواست که با استفاده از تمام امکانات سازمانی و تبلیغ خویش مجدانه در راه تحقق این شعار بکوشند. باید همین شعار را عملا به فراتر نامی تبدیل نمود، آنرا به میان زنان برد و از آنان خواست در این باره صریحاً اظهار نظر کنند و این اظهار نظرها در روزنامه ها و مجلات در مضاجه ها و سخنرانیها انعکاس یابد. وقتی شعاری پشتوانه ای از افکار عمومی بسا خود داشت کسی قادر به مقاومت در برابر آن نیست. شک نیست آن گروههایی از زنان که صادقانه تر، صمیمانه تر و پیگیرتر در راه مبارزه بخاطر تحقق شعار برابری حقوق زن و مرد گام بردارند، عملا موفق به جلب اعتماد توده زنان خواهند شد که خود پادشاه بزرگی است میتو

بقیه از صفحه ۱

پیام حزب کمونیست سوریه باحزاب کمونیست برادر و به نیروهای ترقی و صلح در تمام کشورها

تعقیب کنند و بهر وسیله که می‌توانند توطئه علیه جمهوری سوریه را افشاء نمایند و همبستگی خود را بدین جمهوری و مبارزه عادلانه اش ابراز دارند.

«مردم»



رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه توجه شما را بوضع خطرناکی که امپریالیستها در کشور ما بوجود آورده اند و هدف آن از میان بردن مشی مترقی سوریه و دستاوردهای مردم است، جلب مینماید. همه چیز حاکی از آنست که امپریالیستهای امریکائی در تدارک یک تهاجم نظامی بدست رهبران اسرائیل علیه سوریه اند، یعنی میخواهند اسرائیل نقشی را که در حمله علیه مصر در سال ۱۹۵۶ به عهده گرفته بود بار دیگر تکرار نماید.

پس از سقوط دولت بعثی دست راست صالح بیطار در فوریه گذشته در سوریه دولتی دارای خصلت مترقی و ملی بر سر کار آمده که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکند. روابط دوستی سوریه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بشکلی پیگیر و مداوم آغاز بهبود گذاشت. مظهر این مناسبات قرار دادهائی است که برای صنعتی کردن سریع سوریه بسته شده است. در عین حال صدای سوریه با قدرت و روشنی در عرصه بین المللی در کنار آوای تمام مبارزین راه آزادی، سوسیالیسم و صلح در تمام جهان طنین افکن شد.

سوریه درجهت تحکیم روابط همبستگی و برادری خود با تمام کشورهای مترقی عرب و با تمام نیروهای مترقی ملی جهان عرب و همچنین با تمام نیروهای مترقی و سوسیالیسم در مقیاس بین المللی عمل میکند.

شایان تصریح است که یکی از اقدامات دولت سوریه آنست که در مسئله نفت موضع گیری استواری کرده است و خواسته است که شرکت نفت عراق بر اساس احتسابات واقعی و صحیح موافقتنامه سال ۱۹۵۶ را درباره درآمد سوریه از محل عبور لوله نفت از اراضی وی با دقت کامل اجرا نماید و این امر خشم و غضب شدید محافل امپریالیستی امریکا و انگلیس را برانگیخته است.

از ۲۳ فوریه بعد اصلا وضع اقتصادی و اجتماعی مترقی خصلت عملی پیگیر تری به خود گرفته و عمل در جهت استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی کشور شدت و قوت بیشتری یافته است. در نتیجه اصلاحات ارضی و بسط بخش دولتی در صنعت و تجارت، بنیاد اقتصادی و اجتماعی در سوریه در جهت مترقی تحول مینماید.

رفقا! شما میدانید که همکاری و تعاونی که بشکلهای مختلف بین بعثی های چپ و

«هدف ما تغییر رژیم سیاسی در سوریه است». نخست وزیر اسرائیل لوی اشکول گفته است: «اسرائیل سوریه حمله خواهد کرد... و این ما هستیم که لحظه متناسب و شکل درخور آنرا معین میکنیم». این تهدیدات با تدارکات نظامی و تمرکز وسیع نیرو در مرزهای سوریه توأم است.

همچنین، رهبران اسرائیل بطرز وسیع به آزار و اذیت اقلیت عرب در اسرائیل اقدام کرده اند. رهبران اسرائیل کوشش میکنند سوریه را یک کشور محرک و آکنش این اقلیت عرب در قبال زجر و آزاری که میکشند قلمداد کنند، تا بدینوسیله تهاجمی را که به دستور امپریالیسم، تدارک مینهند موجه سازند.

رهبران اردن هم نقش خود را در این امر بازی میکنند. نخست وزیر اردن وصفی الطال اعلام کرده است: «تا آنکه ای اردن در مرزهای سوریه رخنه خواهند کرد».

این جریان نشان میدهد که اولاً وضعی که اخیراً در اطراف سوریه ایجاد شده است، شبیه وضعی است که تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بر ترعه سوزن بوجود آورد و ثانیاً امپریالیستهای امریکائی، انگلیسی و آلمان غربی توسط جاسوسان خود در اسرائیل و اردن و نیز با تفاق ارتجاع عرب میخواهند ماجرائی علیه سوریه و علیه صلح در منطقه خاور میانه تدارک به بینند و مخفی نیندارند که میخواهند یک رژیم ارتجاعی تروریستی در کشور، تحت نظارت آنها برقرار شود و وظیفه این رژیم از بین بردن نیروهای مترقی، لطمه زدن به دستاورد های ملت سوریه، برقراری نفوذ امپریالیستها در سوریه و دفاع از وضع امپریالیسم در این ناحیه میباشد.

وضع عمومی کشور ما برای ترقی مساعد است. ملت ما دارای تاریخ دیرین مبارزه علیه توطئه های امپریالیستی است. اردو گاه سوسیالیسم دست همکاری و دوستی خود را بطرف ما دراز کرده است. اخیراً کشور اتحاد شوروی یادداشتی بدولت اسرائیل فرستاد که وی از اذعان تهاجمی که در تدارک آنست بر حذر داشته است. اگر در گذشته ملت ما در مبارزات متعدد علیه امپریالیسم موفقتهائی بدست آورد آن نیز باینجهت بود که همکاری بین المللی کمونیستها و ترقیخواهان در تمام کشورهای جهان بیاریش شتافت.

رفقا!

امپریالیستها در صدد تدارک یک سوئز جدید علیه سوریه هستند، خطری که استقلال و حاکمیت سوریه و همچنین امنیت و صلح را در این ناحیه تهدید میکند، خطری جدی است. ملت ما مصمم است از استقلال و حاکمیت و از دستاوردهای مترقی خود دفاع کند.

باینجهت است که ما وظیفه خود دانستیم وضع واقعی را برای شما تشریح کنیم و از شما تقاضا کنیم امکاناتی را که حزب و مطبوعات شما و سازمانهای توده ای مترقی که با شما دارای رابطه هستند برای کمک بجا دارند، بررسی نمائید و واقعیت مبارزه ای

بقیه از صفحه ۸

درود بخلق قهرمان ویتنام!

متحد امریکا است. سیاست جنگ و مانور صلح امریکا در ویتنام از هر طرف مواجه باشکست شده و منفرد گردیده و از لحاظ نظامی علیرغم اعزام مداوم نیروهای مسلح بجدیدترین سلاحها نتوانسته است بهیچیک از هدفهای نظامی خود برسد در عوض جبهه ملی آزادیبخش ویتنام هم از لحاظ روحیه و هم از لحاظ قدرت جنگی از هر وقت دیگر نیرومندتر شده و با عزم راسخ مبارزه خود را برای دفاع از آزادی و استقلال و قطع تجاوز امپریالیسم امریکا ادامه میدهد. مردم ایران که خود از نفوذ سیاستهای استعماری و در درجه اول استعمار هار و عنان گسیخته امریکا رنج میبرند همواره پشتیبان خلق دلاور ویتنام بوده اند. حزب توده ایران بنوبه خود از هر نوع پشتیبانی که در امکانش باشد دریغ نخواهد ورزید. ما از اعضای حزب، سازمان های اجتماعی و کلیه مردم خواستاریم که با اهداء خون و کمک مالی بخلق دلیر ویتنام کمک نمایند و ندای اعتراض خود را علیه جنایات امریکا در ویتنام بفرستند که باشد بلند کنند.

پیروزی مردم ویتنام بر امپریالیسم امریکا تأثیر مستقیم در مبارزه سایر خلقها و از جمله خلقهای ایران برای آزادی و استقلال ملی آنها دارد. آرزوی ما در سال نو این است که با کمک های بی دریغ و برادرانه اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای اردو گاه سوسیالیستی کمک به ویتنام و همچنین بپشتیبانی مادی معنوی تمام مردم شرافتمند و صلحدوست جهان از مبارزه حق طلبانه خلق ویتنام، جنگ مهیب و ویران کننده ویتنام بسود مردم ویتنام پایان یابد و صلح شرافتمندانه ای در این کشور که سی سال است دستخوش تجاوزات امپریالیستی است برقرار گردد.

زنده باد خلق قهرمان ویتنام

۱. گویا

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176

**Stockholm 4
Sweden**

را که در سوریه جریان دارد برای توده های کارگر و زحمتکش و افکار عمومی کشور خودتان توضیح دهید و مسئله همبستگی با خلق ما را بهر شکلی که آن را مصلحت میسرید مورد مطالعه قرار دهید.

اکتبر ۱۹۶۶

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

دروغ به خلق قهرمان ویت نام!



ای نو گلی که جای تو بستان آرزوست دستی که بست پای نشاط شکسته باد!

نمیکنند بلکه بدکر یک عبارت گنگ که درست مخالف نظر اوتانت است قناعت مینماید و بدنبال آن عبارت میان تهی «کاملاً همکاری خواهد کرد» را میافزاید.

اما هنگام تسلیم نامه «صلح آمیز» او نیروهای تازه امریکائی وارد ویتنام میشوند و بمباران ویتنام شمالی که اوتانت قطع آنها را خواستار شده شدت ادامه مییابد. فلیپین خبر گزار روزنامه فرانسوی «لوموند» در سازمان ملل متحد در باره این نامه که آنرا حمله جدید صلح امریکا خوانده است چنین اظهار نظر میکند که این حمله بدون نتیجه ای است زیرا در سازمان ملل متحد تأثیر مثبتی نکرده و هیچیک از نکات سه گانه اوتانت در نظر گرفته نشده است.

ژنرال دو گیل در دو نطق متوالی خود که پس از اظهارات جانسون و نامه گلدبرگ در آغاز سال نوایراد کرد شدت سیاست امریکا را مورد انتقاد قرار داد و دخالت امریکا را در ویتنام نفرت آور خواند. او جنگ ویتنام را نتیجه مستقیم اقدامات امریکا دانست که ظالمانه ادامه دارد و برای پایان جنگ خروج نیروهای امریکا را از ویتنام لازم شمرد. این موضع گیری افرادی مانند پاپ، دو گل و یا دبیر کل سازمان ملل متحد خود نموداری از افراد کامل ایالات

کل سازمان ملل متحد در پیام خود بدوات امریکا سه نکته را بسیار روشن و دقیق تصریح کرد و خواستار موافقت امریکا با آنها گردید از ایقنار: حملات هوائی به ویتنام شمالی بدون قید و شرط قطع شود، عملیات خصمانه تدریجاً از دو طرف پایان یابد. جبهه آزادیبخش ملی ویتنام بعنوان طرف مندا کره برای پایان جنگ و حل مسئله ویتنام شناخته شود.

در مقابل این دو پیام دولت امریکا نیروهای تازه ای وارد ویتنام کرد و بلافاصله پس از پایان آتش بس دو روزه شدت ویتنام شمالی را بمباران و در تمام جبهه ها عملیات خصمانه خود ادامه داد. بطوریکه سخنگوی واتیکان نتوانست از ابراز عدم رضایت پاپ از او کنش دولت امریکا خودداری کند. در مورد پیام اوتانت و کنش امریکا این بود که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ توسط نماینده خود گلدبرگ در سازمان ملل متحد نامه ای رسمی به اوتانت تسلیم داشت. در این نامه گلدبرگ از اوتانت تقاضا میکند که «تمام اقدامات لازم را برای مذاکرات بمنظور آتش بس مداوم در ویتنام بعمل آورد. در این نامه گلدبرگ تصریح میکند که دولت متبوعش با اوتانت «کاملاً همکاری خواهد کرد» تا مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد. گلدبرگ به چوچه در باره نکات مشخص نامه اوتانت در نامه خود مطلبی ذکر

جنگ دامنه دار تر کردند کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی هم بخلق ویتنام توسعه یافت و به نیروی مقاومت آن افزود. «این کمک بمراتب مؤثر تر و ثمربخش تر میشد اگر جمعی از رهبران چین با اتخاذ سیاست تفرقه در اردوگاه سوسیالیستی و سیاست سراپا مضر و غیر اصولی رد و خدت عمل این کشورها در مسئله کمک بخلق دلاور ویتنام، عملاً در کار مبارزه خلق ویتنام اخلاص و به امریالیسم متجاوز بطور عینی کمک نمیکردند.

ویرانی ویتنام، کشتار مین پرستان و مردان و زنان و کودکان غیر نظامی برای امریکائیان مهاجم و حکومت های دست نشانده آنها تا کنون طبق آمار «جبهه آزادی ملی» به بهای بیش از یک میلیون کشته و زخمی و اسیر از جمله یکصد و سی هزار امریکائی، بیش از هزار و شصت هواپیما، هزاران هلیکوپتر و مقدار زیادی آلات و ابزار جنگی و میلیاردها دلار تمام شده است. این ضایعات انسانی و مالی که نتیجه مستقیم سیاست ضد انسانی و سود پرستانه انحصارات بزرگ امریکائی و پنتاگون است بمردم امریکا تحمیل میگردد و هر چه جنگ ادامه مییابد سنگینی آن بیشتر احساس میشود و معنی «دفاع از آزادی» که بنام آن دولت امریکا جوانان را بمیدان جنگ میفرستد، مفهوم تر و باین ترتیب دامنه تظاهرات و اعتراضات مردم امریکا وسیعتر میشود. در نتیجه فشار افکار عمومی جهان و مردم امریکاست که هر چند یکبار جانسون دست بجمله دروغین صلح میزند و برای انحراف افکار عمومی مردم امریکا و جهان مزورانه میکوشد حتی وانمود کند که گویا دولت امریکا حاضر بمذاکرات صلح برای پایان دادن بجنگ در ویتنام است اما این دعوی پوچ نمیتواند کسی را بفریبد.

در آستانه سال نو و عید نوئل جانسون در یکی از مصاحبه های خود با روزنامه نگاران چنین گفت: «ما نیرومندیم ولی نیک نفس و دست و دل بازمیم. ما صلح را هدیه میکنیم» اما درست در همان وقت که او از نیک نفسی و هدیه صلح دم مزورانه هواپیماهای امریکا بمرکز شهر هانوی بمب های آتشزا هدیه میکردند. جانسون در مصاحبه دیگری در باره بمباران مراکز غیر نظامی و کشتار مردم غیر نظامی گفت ما با دقت تمام، فقط هدفهای نظامی را بمباران میکنیم ولی وقتی مدارک غیر قابل انکار از ویرانیهای مدارس، بیمارستانها و خانه های مردم عادی از طرف مخبرین و خبر گزارهای مختلف جهان از جمله یو، پی، آی منتشر گردید در آخرین مصاحبه خود ناچار بقبول آنها گردید و به «ابراز تأسف» اکتفا کرد.

بمناسبت عید نوئل، پاپ از تمام شرکت کنندگان در جنگ تقاضا کرد که آتش بس دو روزه را ادامه دهند تا راه حلی برای خاتمه جنگ پیدا شود. در همین موقع اوتانت دبیر

هم اکنون ۸۰ در صد از خاک ویتنام جنوبی در دست حکومت آزاد ویتنام جنوبی است که در آنجا سه چهارم مردم جنوب یعنی بیش از ده میلیون نفر زندگی میکنند.

بدنسان تکنیک و وسایل مدرن امریکا نتوانسته است بر روحیه و فداکاری بی نظیر مردم ویت نام پیروز گردد. جبهه ملی آزادی بخش ویتنام بمناسبت ششمین سال مبارزه خود چنین میگوید: «هر چه بیشتر مبارزه میکنیم بیشتر نیرومند میشویم. نیروهای ما در سال ۱۹۶۶ بمیزان عظیمی رشد و تکامل یافته است. اینک مردم امریکا بدارک عمیق این مسئله میرسند که بیش از پیش در غرقاب شکست فرو میروند».

رفیق هوشی مین روز ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶ ضمن پیامی خطاب به مردم امریکا چنین اظهار داشت: «دولت ایالات متحده بخطا فکر میکند که با نیروی سبعیت و خشونت میتواند خلق ویتنام را وادار به تسلیم کند. ملت ویتنام هیچگاه زیر بار تسلیم نخواهد رفت.» سپس افزود که: «ما صلح میخواهیم اما صلحی شرافتمند. تأمین استقلال و آزادی مردم ویتنام بقیمت هر تعداد قربانی و هر محرومیتی که باشد بسته بسرکوبی مهاجمان امریکائی تا پیروزی نهائی است.»

جنایاتی که امریکائیان در ویتنام مرتکب شده اند از لحاظ شدت کمتر از جنایات فاشیستهای هیتلری نیست. طبق گزارش پروفسور امریکائی ویلیام ربر مدیر مؤسسه تحقیقات در باره کودکان بنام «مری کالج» که روز ۲۲ دسامبر ۱۹۶۶ در نیویورک منتشر گردید، از سال ۱۹۶۱ تا کنون بیش از ۲۵۰ هزار کودک کشته، بیش از ۷۵۰ هزار زخمی و یا بوسیله بمبهای ناپالم سوخته شده اند. ده ها هزار کودک در تیم خانه ها، در اردوگاهها، در کوچه ها و خیابانها بدون سرپرست مانده اند. سیل وبا و طاعون آنها را می بلعد و هزاران نفر از آنها که در شهرها ویلاندند هیچگونه ماوا و سرپرست ندارند و از سن ده به بالا بفحشاء کشانده میشوند. سند آقای ویلیام ربر در ماهنامه «رامپارد» امریکائی همراه با تصاویر وحشت آوری از کودکان ویتنام درج گردیده است. این پروفسور که چندین هفته در ویتنام جنوبی مشغول تحقیق بوده تأیید میکند که صد ها کودک را در حال مرگ و نیمه جان در دهکده هایی که امریکائیان ویران کرده اند بچشم خود دیده است. بطور کلی این سند نشان میدهد که ۷۰ در صد از قربانیان حملات هوائی امریکائیان در دهکده ها کودکان کمتر از ۱۶ سال هستند.

مردم جهان و از جمله مردم امریکا که ناظر چنین جنایات وحشتناکی هستند نمیتوانند از ابراز نفرت نسبت بتجاوز کاران امریکائی و از ابراز مهربندی و پشتیبانی اخلاقی از خلق مظلوم و مبارز ویتنام خود داری کنند. بهمان نسبت که امریکائیان تجاوز خود را با توسعه